

در دفاع از آزادی و آفرینش ادبی و هنری در ایران

از بعد از دستگیری مهسا امینی بیست و دو ساله توسط گشت ارشاد و درگذشت او در ۲۵ شهریور- ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲، جنبش بی سابقه ای در ایران شکل گرفت در اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی بخاطر سانسور و خشونت و بی عدالتی در قبال زنان.

در همصدایی با مردمی در آرزوی آزادی از یوغ حکومت ملایان، بسیاری از سینماگران، هنرمندان، و زنان و مردان اهل فرهنگ در معرض سانسور و تهدید و در خطر بازداشت و زندان قرار گرفتند. محمد رسول اف فیلمساز (که فیلم «شیطان وجود ندارد» وی در ژوئن ۲۰۲۱ در شهر ویتیه به نمایش درآمد) در هشتم ژوئیه همراه با همکارش مصطفی آل احمد دستگیر شدند.

جعفر پناهی، کارگردان دیگر ایرانی که پیگیر وضع دو همکارش بود، به نوبه‌ی خود در زندان مخوف اوین محبوس شد؛ اوین، که در پانزدهم اکتبر شاهد آتش سوزی مرگباری بود.

فریبا عادل خواه، استاد دانشگاه و شاعر «سکوت»، شعری که در نوامبر ۲۰۲۱ در خانه‌ی فرهنگ‌های جهان قرائت شد، نیز از ژوئن ۲۰۱۹ در زندان است. برخی از آفرینندگان از آثاری که در جشنواره‌ی *نوول ایماژ پرسیان* (تصاویر نوین ایران) در شهر ویتیه به نمایش درآمده اند در حال حاضر یا در زندان به سر می‌برند یا ادامه‌ی فعالیت در ایران برای‌شان ناممکن است.

شاعرانه و مقاوم و مبارز، سینمای ایران در تهدید سرکوب شدن توسط حکومت دین‌گرای قرار دارد که همه‌ی اقشار جامعه را تحت سلطه‌ی خود گرفته است. نمایش فیلم «پرسپولیس» در بخش پاییزی این جشنواره در ویتیه، بازتاب همین واقعیت تلخ است. مرجان ساتراپی که در تبعید به سر می‌برد، خاطر نشان می‌کند که نبرد امروز زنان ایران ادامه‌ی مبارزه‌ی او است که از فردای انقلاب اسلامی شکل گرفت. اولین تظاهرات بزرگ بعد از انقلاب بهمن ۱۹۷۹، راهپیمایی زنان بود در فروردین

همان سال برای مخالفت با حجاب اجباری؛ حرکتی، که بعضی از چهره های جهانی فمینیست نیز از جمله کیت می‌په به آن پیوستند.

این جنبش ها یکی پس از دیگری نشان از جامعه ای دارند که خواهان آزادی است و مدرنیته. از آن جمله، می توان از اعتراضات دانشجویان به تعطیلی روزنامه‌ی سلام در ۱۹۹۹ یاد کرد، یا از جنبش سبز در واکنش به نتیجه‌ی انتخابات و ریاست جمهوری مجدد محمود احمدی نژاد در ۲۰۰۹، یا اعتراضات در پی گرانی در ۲۰۱۷-۲۰۱۸، و در مخالفت با افزایش قیمت بنزین در ۲۰۱۹.

در این روزهای سنگین که اعتراض جوانان و به ویژه زنان، با شعار «زن، زندگی، آزادی» به گوش می رسد، جمهوری اسلامی چهره‌ی دیکتاتوری نظامی خود را عیان کرده که با سرکوب خشن و خونین معترضان تلاش می کند مهار مردم، اقتصاد و حکومت را نگه دارد.

جنبش کنونی جوانان الهام بخش تغییر رژیم است.

جشنواره‌ی نوول ایماژ پُرسان در سال ۲۰۱۹ آغاز به فعالیت کرد با حمایت وزارت فرهنگ فرانسه و پشتیبانی باارزش شهردار ویتزه آقای پی‌پر مهنیری، و خانم فروغ دادخواه معاون مدیریت اقلیم بروتانی (مؤلف مقاله‌ی «ایران، بیداری یک ملت» که در وست فرانس هفدهم اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد)، و همچنین با همکاری شورای منطقه‌ی دیل اویلن. وقت آن رسیده بود که به سوی آفرینندگان هنری و ادبی و مردمی که از خود شجاعت و مقاومت نشان می دادند دست دوستی دراز کرد.

اکنون، بیش از پیش، به عنوان برگزارکنندگان و پشتیبانان و همراهان این جشنواره، جهت گیری جمعی خود را در دفاع از این جنبش اعلام می کنیم. باشد که خیزش زنان و اعتراضات فرهنگی و مردمی، به آزادی ایرانیان از یوغ این رژیم ددمنش بینجامد. فعالیت هایمان در زمینه‌ی شناساندن هنر و فرهنگ ایران را تقدیم می کنیم به جنبش مردمی، آزادیخواهانه و رهایی بخش ملت ایران.

لوران گارو

مدیر جشنواره ی نوول ایماژ پِرسان

روز جهانی نویسندگان زندانی

نویسندگان ایران در مبارزه با سانسور

از سال ۱۹۸۱، انجمن بین‌المللی قلم (پن) روز پانزدهم نوامبر را به عنوان «روز نویسندگان زندانی» نامگذاری کرده است. در ایران از سال ۱۹۹۳، پانزدهم نوامبر (۲۴ آبان) روز کتاب و کتابخوانی نام دارد.

ایران از شانزدهم سپتامبر در جریان یکی از بزرگترین کشاکش‌های سیاسی-عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی به سر می‌برد. چهل و سه سال بعد از انقلاب اسلامی، آیا اعتراضات اخیر می‌توانند حرکت انقلابی‌ای شوند که رژیم را براندازد؟ در حال حاضر و با توجه به اطلاعات و آماری که در دست است، بررسی دقیق نتایج این جنبش آسان نیست. اما با در نظر گرفتن گستره‌ی سرکوب و با مشاهده‌ی ابعاد وسیع سانسور و دستگیری‌های ناعادلانه‌ی حکومتی که به هر شکل ممکن آزادی هنرمندان و اهالی فرهنگ را خفه کرده، همراهی و حمایت از معترضین ایرانی مهم و ضروری است. جنبش جوانان ایران درک جهانی «جنبش روشنگری» را مطرح می‌کند. سی و سه سال بعد از فتوای آیت‌الله خمینی برای قتل سلمان رشدی، نویسندگان و روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان زندانی یا مقتول ایرانی از مقوله‌ی دفاع کرده‌اند که مونتسکیو در «نامه‌های ایرانی» مطرح کرده و اکنون به طرز تکان‌دهنده‌ی مساله‌ی روز است. برای ادامه‌ی این مسیر و برای دفاع از آرمان‌های انسانی مشترک مان، بازتاب کار انسانی نویسندگانی که در ایران به فعالیت ادبی و فرهنگی‌شان، به رغم سانسور و بازداشت و زندان و حتی به بهای از دست دادن جان‌شان به فعالیت خود ادامه دادند، ضروری و

گریزناپذیر است. اطلاعات و آماری که در دسترس است نشان می‌دهند که حکومتی خودمدار و آزادی‌ستیز، تا چه اندازه می‌تواند در اعمال زور و سرکوب جلو رود؛ تا آنجا که سانسور باعث مرگ افراد شود.

این فهرست گواه تاریخی و اقصیت چنین حکومتی است. از ورای نام و مشخصات و تصویر قربانیان سانسور و سرکوب، وضعیت جامعه‌ی ایرانی را در می‌یابیم. این فهرست که توسط نسیم وهابی، نویسنده‌ی ایرانی ساکن فرانسه، تهیه شده تصویر مدافعان آزادی بیان را نشان می‌دهد؛ حق بديهی و اساسی‌ای که در چهل و سه سال گذشته و بویژه در دوماه اخیر تهدید و پایمال شده است. این پرونده‌ی دریغ‌آور شامل اطلاعات و تاریخ‌دستگیری یا مرگ قربانیان سانسور است. در چنین شرایطی، بی‌تفاوت نماندن یک وظیفه است تا این زنان و مردان آزاده و شجاع فراموش نشوند. هفته‌های آتی سرنوشت سازند و می‌توان به مناسبت‌های گوناگون با این وقایع همراه شد: روز پانزدهم نوامبر (۲۴ آبان) به مناسبت روز نویسندگان زندانی است که برای مثال انجمن جهانی قلم (پن) مقاله‌ای را به صدیقه و ثمقی اختصاص داده که بخاطر امضای بیانیه‌ای در انتقاد از خشونت پلیس‌دستگیر و زندانی شده. هفتم دسامبر (شانزدهم آذر) نیز در ایران روز دانشجو است، و طی سال‌های متمادی تبدیل شده به روز اعتراضات دانشجویان در مخالفت با حکومت.

نسیم وهابی با این فهرست یادآور می‌شود که سانسور مرگ‌آور است؛ چه از دست دادن جان باشد، چه مرگی روحی یا همان «دل‌مردگی».

لوران گارو

مدیر جشنواره‌ی نوول ایماژ پرسیان